

درس یازدهم

«فرماندهی دل‌ها»

آموختنی‌ها

۱. تقویت روحیه‌ی وطن‌دوستی و دفاع از میهن
۲. آشنایی با حماسه دفاع مقدس
۳. تقویت ساخت کلمات مرکب با «ناپذیر»



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

محتاج: نیازمند	مهلکه: محل نابودی.....	اعتقاد: باور
مقابله: رویارویی، مواجهه	ترجیح: برتری.....	متجاوز: ستمگر
بی وقفه: بی درنگ، پشت سرهم	پیک: قاصد، نامه رسان....	مسئولیت: ... پذیرفتن وظیفه..
هم رزم: هم سنگر، هم نبرد	محور: مرکز	تسخیرناپذیر: چیزی که به آسانی نتوان به دست آورد
مقاومت: ... ایستادگی.....	نظاره می‌کند: نگاه می‌کند	دژ: حصار
سقا: کسی که به تشنگان آب می‌دهد	وصف‌ناپذیر: غیر قابل توصیف....	اشغال: جایی را به زور گرفتن، تصرف
مظلوم: ... ستمدیده.....	سقوط: افتادن از جایی.....	نفوذ: ... فرو رفتن، رخنه.
گردان: یک واحد نظامی که از چهار	عملیات: فعالیت‌ها، کارها	مانع: سد
گروهان تشکیل شده است.	تکبیر: الله اکبر گفتن	درنگ: صبر

کلمات متضاد

فرار = فرار	آزادی = اسارت	خنده = گریه
پاک = ناپاک	سخت = آسان	سنگین = سبک

کلمات هم‌خانواده

تسلیم، اسلام، مسلم	اعتقاد، معتقد	مانع، ممانعت
مظلوم، ظالم، ظلم	محتاج، احتیاج	نظام، ناظم، نظم
	شکر، تشکر، شاکر	وصف، توصیف



دشمن برای نیروهایش دژی تسخیرناپذیر ساخته بود تا برای همیشه خرمشهر را در اشغال داشته باشد. اولین گروه رزمندگان به دشمن حمله کردند. آتشبارهای عراقی یک‌دم، خاموش نمی‌شدند. شور و شوقی وصف‌ناپذیر وجود حسین را در بر گرفته بود. او و هم‌زمانش در نقطه‌ای قرار گرفته بودند که مردم ایران هر لحظه برای آزادی آن دعا می‌کردند. خرمشهر بوی جهان آرا و دوستان شهیدش را می‌داد. او برای نفوذ به دژی که عراقی‌ها آن را نفوذناپذیر می‌دانستند، یارانش را آماده کرد. دشمن چند گردان تازه‌نفس خود را برای مقابله، راهی میدان کرد. فریاد حسین از هر طرف به گوش می‌رسید: «دست خدا با ماست، بجنگید دلاوران» و نیروها، خستگی‌ناپذیر و با شجاعت جلو می‌رفتند. دژ دشمن شکسته شد. فریاد تکبیر نیروهای ایرانی، دشمن را به وحشت انداخت. عراقی‌ها پا به فرار گذاشتند. شلمچه برایشان گورستانی شده بود. جای شهیدانی همچون «خرازی» بهنام محمدی، جهان آرا و ... که دوست داشتند آزادی خرمشهر را ببینند خالی بود. همگی خوشحال و امیدوار بودند چون می‌دانستند که خداوند اراده کرده است تا خرمشهر را آزاد کند. دانش آموز عزیز این درس هم بیانگر رشادت‌ها، شهادت‌ها، ایثار و فداکاری بزرگ مردانی است که باعث آرامش و آسایش امروز ما هستند. آن‌ها رفتند و شهید شدند تا ما امروز بتوانیم راحت زندگی و تحصیل کنیم و در کنار خانواده‌های خود باشیم. در زمان جنگ، هر جوان ایرانی سلاحش غیرت و ایمان و اندیشه بود و بدون هیچ چشم داشت و خواسته‌ای، فقط و فقط برای حمایت مردم کشورش به جبهه می‌رفت.

بخوان و بدان



ساخت واژه‌ی جدید با «ناپذیر»

برنا امروز سرگرم خواندن کتابی بود که پدربزرگ به او هدیه داده بود. او، هنگام خواندن، چشمش به کلمه‌هایی افتاد که همگی با واژه‌ی «ناپذیر» ترکیب شده بودند.

مثال:

بچه گنجشک با تلاش خستگی‌ناپذیر خود به آنچه می‌خواست رسید.

خوشحالی و صف‌ناپذیرش حیوانات جنگل را خوشحال کرد.

اما او نمی‌دانست که رفتن به قلّه‌ی کوه امکان‌پذیر است.

در ذهن پرسشگر برنا سؤال پیش آمد. برای همین به سراغ مادرش رفت و در مورد این کلمه‌ها از او پرسید.



مادر گفت: اضافه کردن «ناپذیر» به معنی «عملی نشدن»، معنای جدیدی به کلمه می‌دهد. مثلاً:

وصف ناپذیر → یعنی چیزی که نمی‌توان آن را توصیف کرد.

امکان ناپذیر → یعنی چیزی که امکان ندارد اتفاق بیفتد.

خستگی ناپذیر → یعنی کسانی که به آسانی خسته نمی‌شوند.

برنا از اینکه کلمات بیشتری یاد گرفته بود بسیار خوشحال شد و رفت تا ادامی داستان را بخواند.

املا دادن

همان‌طور که می‌دانید در زبان فارسی تعدادی از حروف صدای یکسانی دارند ولی نوشتار آن‌ها متفاوت است. با دقت به این موضوع می‌توانی املاي خود را تقویت نمایی.

دانش آموز باهوشم با توجه به متن درس به سؤالات پاسخ بده.

الف: با استفاده از حروف (س - ص) حروف جا افتاده از کلمه‌های زیر را بنویس.

م... نولیت	س... قوط	ق... ص... ه
و... ص... ف ناپذیر	ح... س... اس	ت... س... خیر ناپذیر
س... خت	م... ر... خ... ص... ی	س... ن... گینی

ب: در جمله‌های زیر کلمه صحیح را در جای خالی قرار بده.

(۱) متجاوزان خرمشهر را به **اشغال** در آورده بودند. (اشغال - اشغال)

(۲) **عملیات** پیش رو، خیلی مهم و حساس بود. (عملیات - املیات)

(۳) نگران نباش مؤمن! **مطمئن** ... باش. (مطمئن - متضمن)

(۴) حسین ایستاده بود و با نگاهی خیره دور دست را ... **نظاره** ... می‌کرد. (نظاره - نظاره)

(۵) او همیشه **قصه‌هایش** را ناتمام می‌گذاشت تا بچه‌ها منتظر دیداری بعدی و شنیدن بقیه آن باشند. (قصه‌هایش - قصه‌هایش)

(۶) بالگردهای دشمن در تلاش بودند فرماندهان **نظامی** ... را از میدان نبرد نجات دهند. (نظامی - نظامی)

(۷) وقتی حسین، شهر **مظلومی** را دید به یاد شهدایی افتاد که دوست داشتند آزادی خرمشهر را ببینند. (مظلومی - مظلومی)

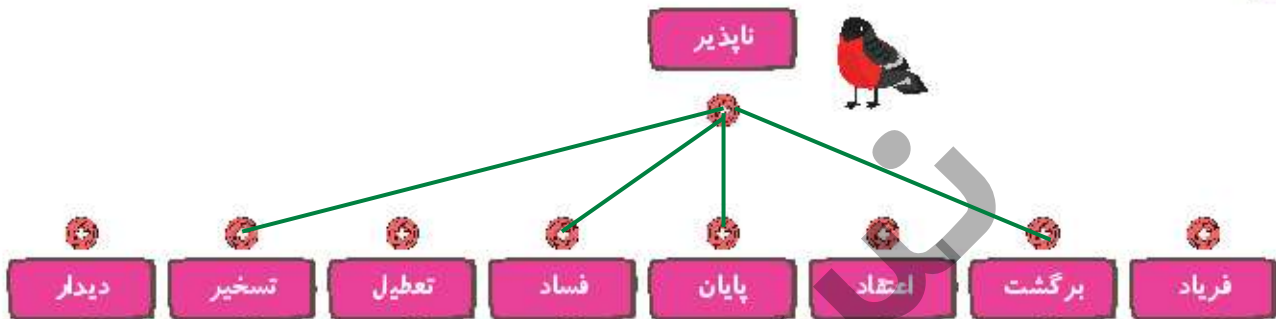
(۸) بقیه‌ی دشمنان فرار را بر قرار **ترجیح دادند** ... (ترجیه دادند - ترجیح دادند)



تمرین



۱ کلمه‌ی «ناپذیر» با کدام واژه‌ها ترکیب می‌شود؟ وصل کن.



۲ درستی ☒ و نادرستی ☐ جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: هم خانواده‌ی کلمه‌ی «ضربه»، واژه‌ی «ضرر» است. ☐

ب: حسین به دلهای مردم اعتقاد عجیبی داشت. ☒

پ: به «پذیرفتن و به عهده گرفتن انجام کاری»، «انکارناپذیر» می‌گویند. ☐

ت: مخالف واژه‌ی «بی‌وقفه»، «درنگ» است. ☒

۳ ابتدا جاهای خالی را با کلمه‌های مناسب کامل کن. سپس از بین آن‌ها دو کلمه به دلخواه انتخاب کرده و در یک جمله به کار ببر.

شکست‌ناپذیر - اصلاح‌ناپذیر - وصف‌ناپذیر - امکان‌ناپذیر

الف: شوق... **وصف‌ناپذیر**... یعنی شوقی که به آسانی نمی‌توان آن را توصیف کرد.

ب: رفتار... **اصلاح‌ناپذیر**... یعنی رفتاری که هیچ وقت اصلاح و درست نمی‌شود.

پ: نیروهای... **شکست‌ناپذیر**... یعنی نیروهایی که هرگز شکست نمی‌خورند.

ت: کار... **امکان‌ناپذیر**... یعنی کاری که با این شرایط امکان ندارد و غیرممکن است.

جمله: رزمندگان اسلام شادی وصف‌ناپذیری را برای پیروزی بر دشمنان اسلام به مردم هدیه دادند.

جمله

۴ الف: در هر گروه از کلمات زیر یک کلمه با بقیه ناهم‌هنگ است؛ رنگ بزن و آن را در جای خالی بنویس.

جهان‌آرا	←	خونین‌شهر	شلمچه	جهان‌آرا	خرمشهر
شگفت‌انگیز	←	تجدیدناپذیر	شگفت‌انگیز	تغییرناپذیر	خستگی‌ناپذیر
خاک‌آلود	←	خاک‌آلود	رزمندگان	جنگ	جبهه

ب: با کلمات رنگ شده یک بند بنویس.

۵ هم‌معنی کلمات زیر را از جدول پیدا و رنگ کن. سپس آن‌ها را بنویس.

س	ت	م	گ	ر	ا	ن
ب	ا	و	ر	ص	ب	ر
ق	ل	ع	ل	ه	د	ی
ج	ا	ی	گ	ذ	ر	ش
ت	ص	م	ی	م	ا	ن
ب	ر	گ	ز	ی	د	ن
و	ا	ر	د	ش	د	ن

گذرگاه

توجیه دادن

اراده

تقوُّذ

دژ

متجاوزان

درنگ

اعتقاد

حالا با توجه به اطلاعات بالا فعالیت‌های زیر را انجام بده.

الف: حروفی که رنگ نشده است را کنار هم قرار بده تا رمز جدول به دست آید.

کلمه‌ی رمز جدول:

ب: با کلمه‌ی رمز جدول، جمله‌ای زیبا بنویس.

جمله



۶ جمله‌های زیر از چه نوعی هستند؟ نوع هر کدام را مشخص کن و بنویس. (خبری - امری - پرسشی - تعجبی)

الف: مسجد جامع شهر مرکز مقاومت جوانان بود.

ب: بجنگید دلاوران.

پ: چه کسی فرمانده دلهاست؟

ت: چه رزمندگان دلاوری!

۷ کلمات هم خانواده را مثل هم رنگ بن.



۸ با توجه به متن درس «فرمانده‌ی دلها»، ترتیب اتفاقات را شماره گذاری کن.

از نشانه‌هایش هم همین است که دشمنان به جان هم افتاده‌اند.

حسین، نگاهی به پیکی که خبر آورده بود، انداخت.

حسین ایستاده بود و با نگاهی خیره، دور دست را نظاره می‌کرد.

دیگر برای آزاد کردنش جای درنگ نبود.

دژ دشمن شکسته شد، فریاد تکبیر نیروهای ایرانی دشمن را به وحشت انداخت.

۹ با توجه به تصاویر زیر یک داستان کوتاه بنویس.



Blank writing area for the student's response.

۱۰ با توجه به سؤالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: در عبارت «بالگردهای دشمن فرار را بر قرار ترجیح دادند»، فعل جمله کدام است؟

- (۱) فرار (۲) ترجیح (۳) دادند (۴) ترجیح دادند

ب: نام کدام یک از شهدای جنگ تحمیلی در متن درس نیامده است؟

- (۱) شهید خرازی (۲) شهید محمدی (۳) شهید همت (۴) شهید جهان آرا

پ: با توجه به متن داستان «فرشته‌ی یک کودک»، کدام جمله نادرست است؟

- (۱) کودک مطمئن نبود که می‌خواهد برود یا نه. (۲) فرشته کودک مادر او بود.
(۳) کودک می‌دانست که باید به زودی سفرش را آغاز کند. (۴) کودک در دنیای قبلی غمگین بود.

ت: برای کلمه‌های زیر به ترتیب صفت‌های کدام گزینه مناسب‌تر است؟

گردان، گذرگاه، صورت، دلاوران، شهر،

- (۱) وصف ناپذیر، تنگ، زیبا، خسته، آرام
(۲) تازه نفس، باریک، خاک آلود، با ایمان، مظلوم
(۳) خشک، بلند، اشک آلود، بی‌وقفه، آرزوها
(۴) صبور، خستگی ناپذیر، شگفت انگیز، شهر، دلاوران





متن زیر را بخوان و جاهای خالی را با کلمات (و- اما- ولی- چون) کامل کن و در ادامه به سؤالات پاسخ بده. (از بعضی از

کلمه‌ها می‌توانی چند بار استفاده کنی)

روزی روزگاری در زمان‌های قدیم، جوانی زورمند در بیابانی می‌رفت که ناگهان صدای وحشتناکی شنید. جلوتر رفت. خرسی را دید که در چنگ اژدهایی بزرگ گرفتار شده است. ششیرش را کشید در یک لحظه اژدها را به هلاک رساند.

از آن پس، خرس با جوان دوست شد. مردم او را از دوستی با خرس منع می‌کردند، جوان گمان می‌کرد که آن‌ها دچار حسادت شده‌اند در یکی از روزها، جوان از خستگی در کنار درختی دراز کشید به خواب رفت. ناگاه مگسی بر پیشانی او نشست. خرس، چند بار مگس را دور کرد فایده‌ای نداشت. پس تصمیم گرفت درسی به مگس بدهد؛ مزاحم دوستش شده بود. خرس نادان، سنگ بزرگی برداشت و بر صورت دوست مهربانش کوبید به گمان آن که با این کار فقط مگس را خواهد کشت.

الف: جوان اژدها را در کجا دید؟

ب: چرا مردم، جوان را از دوستی با خرس منع می‌کردند؟

پ: به نظر شما خرس در حق جوان دوستی کرد یا دشمنی؟

ت: این داستان شما را به یاد کدام ضرب‌المثل می‌اندازد؟





محمد جهان آرا

محمد جهان آرا فرمانده نظامی ایرانی بود که در جنگ ایران و عراق از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محسوب می‌شد و فرماندهی سپاه خرمشهر را برعهده داشت. وی در عملیات‌هایی چون نبرد خرمشهر و حصر آبادان نقش کلیدی ایفا نمود.



بخوان و بشناس

خودارزیابی

خیلی خوب خوب قابل قبول نیاز به تلاش

☐	☐	☐	☐
☐	☐	☐	☐
☐	☐	☐	☐
☐	☐	☐	☐

متن درس را روان می‌خوانم و کلمات آن را به درستی می‌نویسم.

می‌توانم کلمات غیر ساده با واژه‌ی ناپذیر، بسازم و در جمله به کار ببرم.

می‌توانم حروف ربط (و، اما، چون) را در جمله به کار ببرم.

مخالف و هم خانواده کلمات را می‌نویسم.

